

مزدوری به امپریالیست های اشغالگر تحت نام "حقوق بشر"

فصل سوم

"حقوق بشر امپریالیستی" تلاش برای استتار جنایت امپریالیزم علیه کره زمین است

آنچه نظام سرماییداری بر آن زنده است (سودجویی و سلطه گری) نه فقط جنایت در حق بشر بشمار میرود بلکه جنایتی است بمقیاس کاینات. این نظام دل کوه ها را میشگافد، دریاها را خشک میکند، اشجار را قطع، سبزه زارها و دامنه ها و چمنزارها را به ریگ زارهای لم یزرع تبدیل کرده و هزاران نوع حیات را در دریا و خشکی برای همیشه از روی کره زمین محو میکند. این نظام با توحشی که تاریخ کره زمین نظیر آن را ندیده، تعادل زیسن باهمی (ایکولوژیک) حیوانات- نباتات - حشرات را برهم زده و موجبات گرم شدن روزافزون اقلیم کره زمین را فراهم میسازد. بحث مفصل این موضوع علمی- تاریخی از ظرفیت این نوشته خارج است و ما فقط به خاطر اینکه نشان بدهیم "مدافعین حقوق بشر" با دفاع از این نظام حتی بخود آینده گان شان هم خیانت میکنند، فقط به آن اشاره کردیم.



اگر فقط تنها جنایات سیاسی امپریالیزم سرماییداری و آنهم تنها امپریالیزم امریکارادر تاریخ برشماریم بقدر کافی تکان میخوریم. می بینیم که مدافعین حقوق بشر چگونه مدافعین بزرگترین جنایتکار تاریخ بشر میباشند. و چطور جنایتکار بزرگ را مرجع دادخواهی انسان مظلوم ساخته و از سگان زنجیری آن مانند سیاف، اسمعیل خان، خلیلی، محقق، دوستم، گلبدین و محسنی و امثالهم به آن شکایت میبرند.

طبقات حاکمه اضلاع متحده امریکا در تمام عمرش فقط 15 ماه در جنگ نبوده است. در این جنگها آنها بیشتر از 40 میلیون از اهالی بومی امریکا (سرخپوستان) را نابود ساختند، میلیونها انسان را از قاره افریقا به اسارت گرفته و بعنوان برده به قاره جدید انتقال داده و بآبادن برهنه و شکم گرسنه در مزارع پنبه، گندم و نیشکر بکار واداشتند. آنها خلق های الاسکا، هاوایی، بالتیمور، پورتوریکو، جزایر دومینیکن و... غیره را به اسارت کشانیده و بدترین نوع استبداد و اجحاف برده داری را بر آنها اعمال نمودند. بعد از آنکه سرمایه داری امریکابه حدامپریالیزم رشد کرد با اسپانیاداخل جنگ شده و از طریق جنگ فلیپین، کیوبا و چندین جزایر دیگر رادر اقیانوس شرقی به اسارت گرفته و خلق آنها را عملا به برده تبدیل کردند. در عین اینکه از نظر جغرافیائی از میدان جنگ اول جهانی دور بود، اما فعالانه شامل آن شده و طالب سهم بیشتر از جهان گردید. در جنگ جهانی دوم دومرتبه از سلاح کشتار جمعی استفاده کرده و اهالی شهرهای ناکازاکی و هیروشیما را که کمر اکثریت عظیم شان در زیر بار سنگین مصارف جنگ تجاوزی امپریالیزم جاپان دولاشده بودند، در آتش بمباران هسته وی سوزانید. به تعقیب آن بر کوریو اسپس برویتنام تجاوز کرده بر مزارع شالی دهقانان ویتنامی بیشتر از دوبرابر جنگ دوم جهانی مواد منفجره ریخت و عامدانه ببارش "باران زرد" دهقانان برنجکار ویتنامی، کمبودیائی و لائوسی را تا چندین نسل دیگر معیوب کردند. بعد از کودتای ثور سال 1357 آنها مرده های تاریخ را از گورستان بیرون کشیده، سازمان داده، تسلیح و تمویل کرده و زیر نام "مجاهدین" به جان رقیب سوسیال- امپریالیست شان انداختند. این "مجاهدین" تا توانستند کشتند، ویران نمودند، شهر کابل را با ساکنان آن به راکت و خمپاره بستند، جاده ها و خیابانهایش را از لاشه انسان مظلوم پر کردند. بر زنان و دختران جوان تجاوز و بعد از تجاوز آنها را به عنوان برده به شیخ های امارات و عربستان سعودی فروختند. در رقابت بر سر قدرت برادران همکیش شان را دستگیر و بر اساس سن شان بر سرشان میخ کوبیدند. این جنایات به هیچصورتی از امپریالیزم جدا نبوده ولی مدافعین "حقوق بشر!" امپریالیزم یک ذره هم امریکارادر این جنایات مقصر نمیدانند.

اگر از افغانستان بگذریم، آنها به بهانه نابود کردن سلاح کشتار جمعی صدام حسین بر عراق لشکر کشیدند، حکومت قانونی عراق را بر انداختند و نظام حاکم بر آن را ویران و با بمباران یورانیوم دیپلنت نسل اندر نسل خلق عراق را در معرض تهدید سرطان شش و معیوبی اطفال قرار دادند. به اعتراف خودشان در طی چند سال جنگ تجاوزی شان بر عراق بیشتر از یک میلیون انسان نابود گردید و تاکنون هر روز ده ها انسان دیگر کشته میشوند.

آنها به این بسنده نکردند و داعش را افریدند و با آن سوریه را ویران ساختند و برای تهدید حکومت نایجریا و



غارت انرژی فوسیلی آن "بوکو حرام" را به وجود آوردند و خلق دلتای نایجیر را به ماتم دختران و زنان جوان شان نشانند. برای حضور شان در شاخ افریقا و حمایه پایگاه تهدید گرانه شان در جیبوتی "الشباب" را ایجاد کردند و اکنون با تشجیع سگ زنجیری شان در ترکیه جهان را در لبه درگیری یک جنگ جهانی دیگر قرار داده اند. چه نظامی در تاریخ به اندازه امپریالیزم سرمایه داری توانسته جنایاتی به این پیمان در حق خلق های قاره آسیا و افریقا انجام بدهد؟ "مدافعین حقوق بشر!" افغانستان از این جنایات هیچ حرف و سخنی را بر زبان نمی آورند و گویا که اینگونه یاد

آوری ها" سیاست کردن" میشود! آیامیتوان از دولتی که این جنایتکاران رابه وجودآورده وحمایه میکندتقاضا کردکه"جنایتکاران راحاکمه کنید؟"

هدف هیاهوی مدافعین حقوق بشر افغانستان

طوریکه دربالا اشاره شد"حقوق بشر امپریالیزم"نرم ابزار اشغالگری امپریالیزم است و تسلیم طلبان در داخل وخارج ازکشور عامل اجرائی آن میباشد.هدف عمده این شعبده بازی اینست که توجه مردم راز جنایات امپریالیستهامنصرف ساخته وبه جنایات سه دهه گذشته معطوف سازند. زیرا مردم درچنان سطحی از آگاهی نیستندکه ببینندتمام این جنایات- چه جنایات"خلق"وپرچم وچه جنایات مجاهدین- بالعموم تبارزات سیاسی-حقوقی نظام سرمایرداری اند.تازمانیکه مردم"خلق"وپرچم ومجاهدین راز روی نام شان می شناسندوسوسیال-امپریالیزم"شوروی"رامانندجهدی هاوامپریالیست ها"کمونیست"میخوانند امپریالیزم امریکاومتحدانش درمصنوعیت کامل به غارت واشغال افغانستان ادامه داده وثبات ممالک دیگررازکشور ماتهدیدمیکند.چه مدافعین تسلیم طلبان"حقوق بشر امپریالیستی"مزدبگیران امپریالیزم باشندوچه ندانسته در این مصاف شمشیربزننددرست کاری رانجام میدهندکه امپریالیستهادر جبهه جنگ اشغالگری ازبمب افکنهاونیروی تهاجمی کماندوی گرین باریت شان می خواهند. لیکن تنها تفاوتی که یک تسلیم طلب"مدافع حقوق بشر امپریالیستی"بایک کماندوی گرین باریت داردقیمت آنهاست. یک کماندوی گرین باریت به مصرف یک میلیون دالرتربیه میشوددرحالیکه یک تسلیم طلب قیمت یک هزارم آنراهم ندارددوبرخی از آنهادرمقابل یک تکت طیاره وسفری به اروپاخودرا عرضه میکنند. اینها درمقابل همین پرداخت ناچیزاز شرف وناموس ملی واستقلال کشورشان چشم می پوشندوحرفی رامینندکه از گوشه چشم بادارانش با اشاره القامیشود.معلوم نیست که وقتی اولادهای اینهابزرگ شوندواز آنهاپرسندکه برای آزادی مردم ووطنش چه کرده است؟ آنهاچه پاسخی دارند که به آنها بدهند!

سخن آخر

مادر برحه ای از تاریخ بشر قرار داریم که در آن یک ملیاردنفر یعنی یکنفر از هفت نفر نفوس کره زمین در زیر خط فقر مطلق زندگی میکنند. آنهاهیچ ملکیتی جز نیروی کارشان ندارندوبافروش آن شب وروز رابه هم میرسانند.درعین حال 2% از نفوس کره زمین مالک 98% مجموع ثروتهای روی زمین میباشد. آنهامانندگرگهای وحشی به دریدن وخوردن مشغولند،جنگ های تجاویز و توطئه وتمهیدچینی های آنهابرای غارت،اکثریت عظیم کره زمین رابخاک سیاه نشانده است.همین اقلیت ناچیز اکنون جهان را درلبه یک جنگ فراگیربرای تقسیم مجددآن قرار داده که از جنوب آسیا گرفته تاغرب افریقاشعله ورمی باشد. شرق میانه درآتش این جنگ میسوزد وهرروز هزاران زن، مادر،خواهر،برادر پدرواقارب دور و نزدیک درمرگ عزیزان شان یخن پاره میکنندوباقلب خونین وجگرداغ داغ سربالین می نهند.هیچ زمانی درتاریخ بشر تعدادپناهنده هابه اندازه امروز نبوده،هیچ وقتی تعدادکشورهای روبرشده اندازه امروز ویران نشده، هیچ زمانی متجاوزین امپریالیست مثل امروز مغرور وخودپسنداهالی کره زمین رابه اطاعت برده وارمجبور نکرده است. بهترین دفاع از حقوق بشر همکاری بااین اقلیت مفتخوار که دشمنان اصلی بشر وبشریت اندنیست بلکه مبارز هقاطع علیه آنها میباشد. کسی که علیه امپریالیزم سرمایرداری وار تجاج مبارزه نمیکندهرسخن وهر حرفی را که در مورد مبارزه وآزادی میزنددروغ محض است زیرا این نظام از همه بیشتر حق بشر را نقض کرده ومیکند. گوانتانامو،ابوغریب، بگرام وغیره نمونه های شایان نقض حقوق بشر این نظام میباشد. فقط بانابودی این نظام است که

میتوان تمام حقوق نقض شده بشر را به آنها بازگردانید. تازمانیکه این نظام وجودداردیعی تاآن وقتی که مرداب موجوداست ملاریای نقض حقوق بشر نیز اجتناب ناپذیر خواهدبود.

امپریالیست های اشغالگر به بهانه "مبارزه با تروریسم" بر افغانستان لشکر کشیدند و اکنون یکدهه از از این لشکرکشی رهنانه میگذرد. آنها بزرگترین جنایتکاران را براریکه قدرت نشانده و جنایتکاران خاد، کام و آگسای رژیم آدمکشان "خلق" و پرچم رادرسازمان پولیس مخفی این نظام کار گذاشتند. جنایتکاران جهادی ننتها قانونا محاکمه جنایتکاران را ممنوع قرار دادند بلکه حتی جنایات جهادی ها و جنایات خلقی پرچمی ها و طالبان را از مضمون درسی تاریخ مدارس حذف کردند. و هزاران حملات پیشگیرانه دیگر را به تائید امپریالیست های اشغالگر انجام دادند تا مردم جنایات آنها را فراموش کنند. در یک کلام؛ اکنون در هیچ جای جهان خلق ها قدرت سیاسی را در دست ندارند که بتوان گفت امکان محاکمه جنایتکاران در آنجا وجود دارد، مع هذا شعار محاکمه جنایتکاران، یک شعار فریبنده و اغواگرانه بوده و بیچاره گی مردم ما را درخیزش و قیام نشان میدهد. یگانه راه حقوق بشر طلبی راه انقلاب توده هاتحت رهبری طبقه کارگر میباشد و این تنهاراهی است که به استقراریک رژیم واقعدموکراتیک منتهی میشود و در آنجاست که توده ها حقیقتا میتوانند جنایتکاران خلق و پرچم و جهادی ها و طالبان را به محاکمه بکشانند.

پایان

20 دسمبر 2015

آدرس مکاتبه با ما

P.O. Box 1

Station H

Montreal Quebec

H3G 2K5

CANADA

آدرس الکترونی ما

Shoresh2008@gmail.com

آدرس صفحه الکترونیک

www.shoresh.eu